

گفت و گویا  
علاءالدین بروجردی درباره پرونده هسته ای ایران

# در شورای امنیت هم مذاکره می کنیم

گفت و گو: حسن وزینی

علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در بخش اول این گفت و آصو: دیپلماسی اولنگران را تشریح کرد. او گفت: دیپلماسی اولنگران برای اصولی باشد، باید حاشیه حقوق بشر، تورسم، انرژی هسته ای، ... ما همیشه پاسخگو ادعای دیگران بودیم اما اکنون به نقاط ضعف جهان غرب نگاه نهانمی داریم. رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در بخش دوم و پایانی این گفت و گو بیرون مسائل هسته ای و حوادث داخلی مثل مسأله قومیت ها دیدگاه خود را بیان کرده است و به انتقادات برخی منابع پارلمانی که او را دیپلمات می دانند تا نمایندده مجلس پاسخ می دهد.



در صورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت ملحق می ما در جهت دفاع از مصالح ملی مان مذاکره کنیم زمانی ما می توانیم در مورد پایان دیپلماسی در امر مذاکره هسته ای صحبت کنیم که همه حقوق ما به رسمیت شناخته شده باشد

چین در سطح بالا در آینده نزدیکی انجام خواهد شد و باید منتظر حصول این مذاکرات باقی بمانیم. این کار مستلزم کارشناسان فنی ایران در این امر خواهد بود. دیپلمات میگوید که در صورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت ملحق می ما در جهت دفاع از مصالح ملی مان مذاکره کنیم زمانی ما می توانیم در مورد پایان دیپلماسی در امر مذاکرات

قانون اساسی این کشور متشکل از همه از کان نظام است و مجلس به عنوان یک رکن و عضو رسمی شورای عالی امنیت ملی است. رئیس هیئت مدیره و وزیر کشور، اطلاعات، خارجه، دفاع و سایر ارگان مجموعه حاکمیت در شورای امنیت ملی حضور دارند و به همین دلیل پرونده در اختیار آنهاست. بنابراین، این تحرک، تحرک تعریف شده در چنین چارچوبی است که یک تحرک کاربی راهم شورای عالی امنیت ملی انجام می دهد. متلاً در سفری که اخیراً ریاست محترم جمهور به امریکای لاتین انجام دادند به عنوان رئیس مجلس یکی از محورهای مهم بحث، بحث هسته ای بود و باید این را جزو تحرکات مجلس قلمداد کرد. از طرفی پیش از ۲۰۰۰ روز یک ماه اخیر مجلس تعطیل بود و قطعاً تریبون مجلس که باز نباشد صدای آن از بیرون نمی آید و ما از هم طرف هفته های آینده شاهد تحرک مجلس در عرصه منطقه ای و بین المللی خواهیم بود. علت آن که کار مستقلاً صورت نمی گیرد به خاطر احساس نیاز است. از این موقع با استفاده از اهرم مهم قانون گذاری این اقدام را انجام دادیم بقیه در شورای عالی امن ملی متمرکز است و این شوراهم براساس مصوبات خودش تقسیم کار را بین ارگان های ذیربط انجام می دهد.

**با این حال از قبل این انتقاع به کمیسیون امنیت ملی وارد بود که در مسأله هسته ای بیشتر بیرو شوراهم است و مشخصاً و شما انتقاد می کنید که شما پیش از اینکه یک نماینده مجلس باشید دیپلمات هستید و بیشتر لحاظه شوراهم می کنید از برای این که این خصوصیات چیست؟**

من نگاهم به پرونده هسته ای هم شورای عالی امنیت ملی است و نگاهم به مجلس هم این است که اولاً مجلس فاعله دیپلماته است و این نگاه نیست. اگر شما ملاحظه می کنید که متلاً در امریکای بودجه علیه نظام جمهوری اسلامی تصویب می شود، این متفاوت با سیاست های دولت امریکا است. این کار در ارتباط با اعتراضات صورت نمی گیرد چون سیاست های دولت امریکا با اعتراضات دقیقاً کستور را طاق است. اگر در مجلس شورای اسلامی ما برای قطع یا فشارهای شورای حکام و امریکایی ها پیشنهاد طرح می دهیم و قانون تصویب می کنیم و برای تولید انرژی هسته ای در حجم بسیار شتاب مغکوات مصوبه می گذاریم ما دولت را به فشار می هسته ای ازم می کنیم دقیقاً در راستای منافع ملی ماست یعنی چیزی جز منفعلی از منافع نظامی متقدمه که مجلس به عنوان یک رکن بسیار مهم در حفظ نظام جدی در امر تحولات کشور است. همه مسأله های باید یک عامل کمک کننده در حل مشکلات هسته ای و سایر مشکلات باشد.

**در این وضعیت شما و مجلس فکر می کنید که کار با اروپا تمام شده و کلید حل این مسأله در دست روسیه است یا شما به انگلش فکر می کنید چه می بینید؟**

به هیچ وجه ما معتقدیم که حتماً همه ظرفیت های سیاسی جمهوری اسلامی در دنیا نباید استفاده شود. کار با اروپا را هم و هم جدی و هم تیرین گزار می دانیم و کار با کشورهای چین و روسیه را هم به عنوان دو عضو دائمی شورای امنیت حتماً اهمیت می دایم. بنابراین چه پرونده جمهوری اسلامی در شورای امنیت کار بگیرد و یا بگیرد در هر دو صورت ما از همه ظرفیت ها حتماً باید استفاده کنیم.

**مسأله حقوق بشر در مدل غنی سازی مشرب که در کجا رسید یا آیا روسی ها از این شریک رفتند یا خیر؟**

آنها از ابتدا استقبال کرده بودند و مذاکره هم با روسیه و هم با

قانون اساسی این کشور متشکل از همه از کان نظام است و مجلس به عنوان یک رکن و عضو رسمی شورای عالی امنیت ملی است. رئیس هیئت مدیره و وزیر کشور، اطلاعات، خارجه، دفاع و سایر ارگان مجموعه حاکمیت در شورای امنیت ملی حضور دارند و به همین دلیل پرونده در اختیار آنهاست. بنابراین، این تحرک، تحرک تعریف شده در چنین چارچوبی است که یک تحرک کاربی راهم شورای عالی امنیت ملی انجام می دهد. متلاً در سفری که اخیراً ریاست محترم جمهور به امریکای لاتین انجام دادند به عنوان رئیس مجلس یکی از محورهای مهم بحث، بحث هسته ای بود و باید این را جزو تحرکات مجلس قلمداد کرد. از طرفی پیش از ۲۰۰۰ روز یک ماه اخیر مجلس تعطیل بود و قطعاً تریبون مجلس که باز نباشد صدای آن از بیرون نمی آید و ما از هم طرف هفته های آینده شاهد تحرک مجلس در عرصه منطقه ای و بین المللی خواهیم بود. علت آن که کار مستقلاً صورت نمی گیرد به خاطر احساس نیاز است. از این موقع با استفاده از اهرم مهم قانون گذاری این اقدام را انجام دادیم بقیه در شورای عالی امن ملی متمرکز است و این شوراهم براساس مصوبات خودش تقسیم کار را بین ارگان های ذیربط انجام می دهد.

**با این حال از قبل این انتقاع به کمیسیون امنیت ملی وارد بود که در مسأله هسته ای بیشتر بیرو شوراهم است و مشخصاً و شما انتقاد می کنید که شما پیش از اینکه یک نماینده مجلس باشید دیپلمات هستید و بیشتر لحاظه شوراهم می کنید از برای این که این خصوصیات چیست؟**

من نگاهم به پرونده هسته ای هم شورای عالی امنیت ملی است و نگاهم به مجلس هم این است که اولاً مجلس فاعله دیپلماته است و این نگاه نیست. اگر شما ملاحظه می کنید که متلاً در امریکای بودجه علیه نظام جمهوری اسلامی تصویب می شود، این متفاوت با سیاست های دولت امریکا است. این کار در ارتباط با اعتراضات صورت نمی گیرد چون سیاست های دولت امریکا با اعتراضات دقیقاً کستور را طاق است. اگر در مجلس شورای اسلامی ما برای قطع یا فشارهای شورای حکام و امریکایی ها پیشنهاد طرح می دهیم و قانون تصویب می کنیم و برای تولید انرژی هسته ای در حجم بسیار شتاب مغکوات مصوبه می گذاریم ما دولت را به فشار می هسته ای ازم می کنیم دقیقاً در راستای منافع ملی ماست یعنی چیزی جز منفعلی از منافع نظامی متقدمه که مجلس به عنوان یک رکن بسیار مهم در حفظ نظام جدی در امر تحولات کشور است. همه مسأله های باید یک عامل کمک کننده در حل مشکلات هسته ای و سایر مشکلات باشد.

**در این وضعیت شما و مجلس فکر می کنید که کار با اروپا تمام شده و کلید حل این مسأله در دست روسیه است یا شما به انگلش فکر می کنید چه می بینید؟**

به هیچ وجه ما معتقدیم که حتماً همه ظرفیت های سیاسی جمهوری اسلامی در دنیا نباید استفاده شود. کار با اروپا را هم و هم جدی و هم تیرین گزار می دانیم و کار با کشورهای چین و روسیه را هم به عنوان دو عضو دائمی شورای امنیت حتماً اهمیت می دایم. بنابراین چه پرونده جمهوری اسلامی در شورای امنیت کار بگیرد و یا بگیرد در هر دو صورت ما از همه ظرفیت ها حتماً باید استفاده کنیم.

**مسأله حقوق بشر در مدل غنی سازی مشرب که در کجا رسید یا آیا روسی ها از این شریک رفتند یا خیر؟**

آنها از ابتدا استقبال کرده بودند و مذاکره هم با روسیه و هم با

قانون اساسی این کشور متشکل از همه از کان نظام است و مجلس به عنوان یک رکن و عضو رسمی شورای عالی امنیت ملی است. رئیس هیئت مدیره و وزیر کشور، اطلاعات، خارجه، دفاع و سایر ارگان مجموعه حاکمیت در شورای امنیت ملی حضور دارند و به همین دلیل پرونده در اختیار آنهاست. بنابراین، این تحرک، تحرک تعریف شده در چنین چارچوبی است که یک تحرک کاربی راهم شورای عالی امنیت ملی انجام می دهد. متلاً در سفری که اخیراً ریاست محترم جمهور به امریکای لاتین انجام دادند به عنوان رئیس مجلس یکی از محورهای مهم بحث، بحث هسته ای بود و باید این را جزو تحرکات مجلس قلمداد کرد. از طرفی پیش از ۲۰۰۰ روز یک ماه اخیر مجلس تعطیل بود و قطعاً تریبون مجلس که باز نباشد صدای آن از بیرون نمی آید و ما از هم طرف هفته های آینده شاهد تحرک مجلس در عرصه منطقه ای و بین المللی خواهیم بود. علت آن که کار مستقلاً صورت نمی گیرد به خاطر احساس نیاز است. از این موقع با استفاده از اهرم مهم قانون گذاری این اقدام را انجام دادیم بقیه در شورای عالی امن ملی متمرکز است و این شوراهم براساس مصوبات خودش تقسیم کار را بین ارگان های ذیربط انجام می دهد.

کنم حداقل هسته ای دو روز و تا زمان ۶ ماه برای این ادم وقت بگذارد، آن هم نه در حضور، بعدش باید شما فکر کنید و این قطعات را به هم بچسبانید تا یک راه حل پیدا کنید و منطقی باید کنید. با این حساب من شاید بتوانم هر ۶ ماه به ۵ نفر کمک کنم. پس اگر سه دانشگاه بیامیم و به دانشجویان بیابوم که باید چه کنند، این فیلد گسترده تری در اختیار شماست. با این همین روز با کار بالینی به طور مشخصی، خیلی می تواند کمک کند. با این حال روزی کارورزی باید نمود و اما نظرات مردم و کار بالینی را انگونه انجام می دهم. یعنی آنچه خودم می بینم هر عهده بگیرم به آنها باید می دهم، درباره اینکه چگونه یک نفر در زندگی به موفقیت های والای می رسد، به لحاظ کار بالینی یا غیره دست می دهد. چند داستان نشان اشاره به زبان داشتن تخصصی او - حوش - که این مسأله کمترین تریویدی است - از علاقه مندی به رشته انتخابی به عنوان عاملی دیگر یاد می کند و در همین راستا به مقایسه و وضیت تصمیم در دانشگاه های ایرانی با دانشگاه های خارج از کشور برمی آید. یکی از عمده مشکلات ما در انتخاب تحصیل دانشگاه خارج از رشته ای است که قرار نبوده در آن تحصیل کنند. اما چون نمره آورده اند، در خارج از اینلظورتی نیست. کنکور به آن معنا وجود ندارد بلکه فرآیند فرآیند تحصیلی، همزمان با آن می فرستند و رشته امیان را انتخاب می کنند. بعد به چند دانشگاه معرفی می شوند و آنجا یکی که دوست دارد، می بردند. یکی که دوست دارد در مورد آن استانی، پزشکی، فنی، ... و همه آنجا می روند. ضمن اینکه امکانات متفاوتی برایشان است. یعنی اگر فردی احساس کند که تمام کردن دانشگاه ناتوانی است، می رود به رشته فنی و تکنیسین می شود. بنابراین باید تا شاخه ای که دوست دارد، می بردند. ... داستان در مورد یکی همین هسته ای به نادرستی الگوها اشاره دارد و درگیر شدن دانشجو در جامعه که انتخاب نوجوانان می گذارد باید درست باشد. از دانشجویی که می بیند بفرض رویشان جاده اشتغال و همواری نیست. فراز و نشیبش زیاد است. اگر آنها بخواهند از این راه بروند پس از آنزنی است. فراز و نشیبش زیاد است. اگر آنها اقدام کرد چه می کنند؟ آنها فقط افرادی هستند که می شوند که چگونه انتخاب کنند و ولی در نهایت در سطح علمیه راهم راهم را انتخاب می کنند. چون بشر بر حسب تعریف، متعایل به طرف حداقل انرژی است. برای شخص من، این است. این مستقیم نمی توان بود تا کار را به هم، خیلی خوب انجام داد. گاهی به اجبار را روز شاید مردم از پذیرفته ام برای مشاوره و درمان، ولی به صورت مثبت یا هر چه، وضعیت کار نکرده ام. درمانگر یک مشاوره، شوخی نیست، سرزشت، آسانهاست. هر روز دانشناسی هم با کار یک نسخه فضا حل نمی شود. وقتی کسی به من مراجعه می کند باید حساب

هم بشدت الان نیازمندند. روانشناسی شده یک بازار پول دارووند. معتقدم آموزش در دانشگاه ها بسیار فاجعه است. کسی قرار است اینها را تربیت کند؟ کمیته افزایش پیدا می کند ولی از کیفیت کاسته می شود برای اینکه نیرویی وجود ندارد. در حالیکه من معتقدم بر این است که اگر تمام مملکت جوش شوند و ۳۰۰ روانشناس تربیت کنند خیلی بهتر است از این که صدها نفر نابدل نچولیم جامعه دهم. حتی الان که ده دوره ما پروژه های روانشناسی گذاشتند و اینها می آیند بیرون و کار می کنند! مردم که نمی دانند، خیلی می کنند طرف دست راست. بر فرض که دکتري هم داشته باشد، باید بتواند این را بکنند یا نه؟ در ادامه او اشاره به بی نتیجه بودن پژوهشهای پژوهشگران دارد، دیگر سو، پژوهش های ما درصورت حالت نامیاشی تری، بودجه های هنگفتی به پژوهش ها اختصاص داده می شود که روز به روز هم افزایش پیدا می کند. ولی پیامد این تحقیقات کجاست، شخص نیست. در این دنیا، پژوهش ها را آموزش ها با هم رابطه ای نتگانتند دارند اما اینجا نه. حال نظری باشد، علمی، کاربردی، یا هر چیز دیگری، رابطه ای وجود ندارد. خود می طرح تحقیقی داشته رای چه فرآیند تحول بیهی برای ایرانی که برنده جایزه خوارزمی شد. البته دو طرح بود یکی برای دبستان و دیگری برای راهنامی. این طرح برای این بود که بتوانیم بر مبنای ویژگی های روانشناختی بچه ها برنامه ریزی کنیم. حتی الان که طرح ها کجا هستند؟ دارند در گنجه ها خاک می خورند. یکی از مسؤولان واقفاً قابل احترام آموزش و پرورش یکی من گفت: «این پژوهش هایی که انجام می شود فقط کار مستخدمین این زیاد می کند. یعنی آنها مجبورند دائم این پژوهش ها را از گنجه ها بردارند، خاکش را بگیرند و بگذارند بر سایش. بر سیدم پس چرا اینقدر وارد کردیم؟ من پژوهش نمی؟! گفت: «برای روزی که شاید یک نفر بیاید و بخواهد کاری بکند. آن وقت ۸ سال طول می کشد دوباره پژوهش کنیم. اینها باشد برای آن روز، از همین روی می گویم وضع روانشناسی خیلی بد است، عرصه روانشناسی کمی و نداشتن کیفیت.»

همزمان با ورودش به ایران، نخستین مرکز هدایت حرفه ای و هدایت تحصیلی بنیان گذاشته شد که مسؤولیت آن را دکتر دماستان انجام داد بود. با این حال به خاطر همه خلقتی او، نمی تواند چندان اقدام جادوم بیابود و کارگیری می کند. هر چیزی که خلاقیت او، نیروی شخصیتی او نظریه ای هست است. این اساس که هرچا او مشغول به کار و ارائه خدمت است، کارها باید درست انجام شود و پیش رویه که گویا در آن مرکز چنین نبوده است. پس از این واقعه، دو سال مسؤولیت دفتر روانشناسی دانشگاه پلی تکنیک را بر عهده می گیرد که با نظرات دانشگاه فرانسه و برای هدایت دانشجویان کار می کرده است. با این حال بحث چندان با دکتر دماستان زیاد نبود و اندک اندک مشکلات ارتباطی او با نظام حاکم بر جامعه، به باز سازی و تبدیل دو سال ماندن او از فعالیت در حرفه و رشته تخصصی اش می شوند؛ داستان در این رابطه بشدت اظهار کلی می کند. به این تشویق و توانمندی او، تغییر دهد یا انگیزی در این امر ایجاد کند که بیشتر شود و نه نتیجه هایشان نامیرم برام بود. سال ۹۷ وقتی دانشگاه تهران مرا بازنهیست کرد، من ۳۰ واحد درس می دادم. در تمام دوران کارشناسی، اعتبار و اهمیت گروه روز کار من می خرید. آن وقت بر بازگشتی می منجی نوشته اند (مقدم نیاز با ظلم از این بالاتر که نمی شود، با متلآن می نظام - می همه تحصیلات و توانایی هایم، من از گذاردن این دکتري با بیازه، به من کمک آموزشی کلاس اول دبستان می دهد) - آن حکم را - من به من داند، اعتراضی نکردم و رفته سر کلاس. اما در تمام این فاصله، دکتري سیاسی (رئیس دانشگاه) که روز وضعیت تحصیلی مرا می دانست و در دفاع من بود، امرار شدیدی داشت که بر حسب قبولی ام در تدریس و فعالیت، ولی خودم قبول نمی کردم. وقتی دیدم قرار است معلم کلاس اول بشوم، هر چه می خواهم کلاس ای را تأسیس کردم و به بچه ها درس دادم تا به ترتیب با رفتند و این روند، ۱۲ ساله ادامه داشت. تا اینکه در سال ۱۳۸۵ قانون تعطیلی مدارس ملی را تصویب کردند و مدرسه را از من گرفتند و فقط این اتفاق را می دیدم. مدارسه در کلاس سیماسی آدم شد و این بار با هر ترندی بود، برای مرا رضی کرد به دانشگاه بروم. دیگر در دانشگاه تهران نبود تا سال ۹۷ که به لایالی که عرض شد، بازنهیست ام کردند.

# خودت را درآینه بنگر!

همزمان با ورودش به ایران، نخستین مرکز هدایت حرفه ای و هدایت تحصیلی بنیان گذاشته شد که مسؤولیت آن را دکتر دماستان انجام داد بود. با این حال به خاطر همه خلقتی او، نمی تواند چندان اقدام جادوم بیابود و کارگیری می کند. هر چیزی که خلاقیت او، نیروی شخصیتی او نظریه ای هست است. این اساس که هرچا او مشغول به کار و ارائه خدمت است، کارها باید درست انجام شود و پیش رویه که گویا در آن مرکز چنین نبوده است. پس از این واقعه، دو سال مسؤولیت دفتر روانشناسی دانشگاه پلی تکنیک را بر عهده می گیرد که با نظرات دانشگاه فرانسه و برای هدایت دانشجویان کار می کرده است. با این حال بحث چندان با دکتر دماستان زیاد نبود و اندک اندک مشکلات ارتباطی او با نظام حاکم بر جامعه، به باز سازی و تبدیل دو سال ماندن او از فعالیت در حرفه و رشته تخصصی اش می شوند؛ داستان در این رابطه بشدت اظهار کلی می کند. به این تشویق و توانمندی او، تغییر دهد یا انگیزی در این امر ایجاد کند که بیشتر شود و نه نتیجه هایشان نامیرم برام بود. سال ۹۷ وقتی دانشگاه تهران مرا بازنهیست کرد، من ۳۰ واحد درس می دادم. در تمام دوران کارشناسی، اعتبار و اهمیت گروه روز کار من می خرید. آن وقت بر بازگشتی می منجی نوشته اند (مقدم نیاز با ظلم از این بالاتر که نمی شود، با متلآن می نظام - می همه تحصیلات و توانایی هایم، من از گذاردن این دکتري با بیازه، به من کمک آموزشی کلاس اول دبستان می دهد) - آن حکم را - من به من داند، اعتراضی نکردم و رفته سر کلاس. اما در تمام این فاصله، دکتري سیاسی (رئیس دانشگاه) که روز وضعیت تحصیلی مرا می دانست و در دفاع من بود، امرار شدیدی داشت که بر حسب قبولی ام در تدریس و فعالیت، ولی خودم قبول نمی کردم. وقتی دیدم قرار است معلم کلاس اول بشوم، هر چه می خواهم کلاس ای را تأسیس کردم و به بچه ها درس دادم تا به ترتیب با رفتند و این روند، ۱۲ ساله ادامه داشت. تا اینکه در سال ۱۳۸۵ قانون تعطیلی مدارس ملی را تصویب کردند و مدرسه را از من گرفتند و فقط این اتفاق را می دیدم. مدارسه در کلاس سیماسی آدم شد و این بار با هر ترندی بود، برای مرا رضی کرد به دانشگاه بروم. دیگر در دانشگاه تهران نبود تا سال ۹۷ که به لایالی که عرض شد، بازنهیست ام کردند.

شاید به خاطر همین کلید مندی ها است که امروز دکتر بروجردی دماستان ترجیح می دهد در حلقه ای ساکت و آرام، و در سکوت و آرامش شل زدن و در تنهایی مطلق فعالیت و تفکر و کار و فعالیتها و تحقیقی و پژوهشی بپردازد. او با اینگونه مسؤول پژوهشهای دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب